

# آرغ

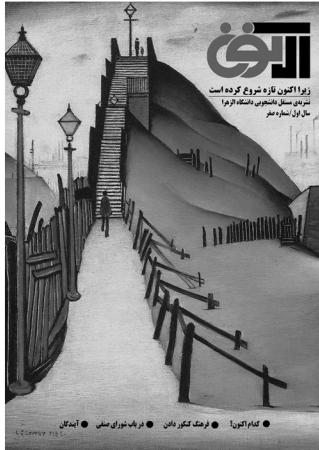
زیرا اکنون تازه شروع کرده است

نشریه‌ی مستقل دانشجویی دانشگاه الزهراء

سال اول / شماره صفر / ۲۰۰۰ تومان







نشریه‌ی مستقل دانشجویی  
دانشگاه الزهرا

## زیرا اکنون تازه شروع کرده است نشریه‌ی مستقل دانشجویی دانشگاه الزهرا

سال اول / شماره صفر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دلارام فتاحی  
سر دبیر: تینا آزموده  
صفحه آرا: ایما ماه پشانیان ، فاطمه بکلو  
تاریخ انتشار: بیست و پنجم آبان ۹۸

- کدام اکنون؟ ..... صفحه ۱
- فرهنگ کنکور داندن ..... صفحه ۳
- شورای صنفی ..... صفحه ۶
- به آیندگان ..... صفحه ۹

📷 Aknoon.Journal

📍 @AknoonJournal

Email: Aknoon.pub@gmail.com

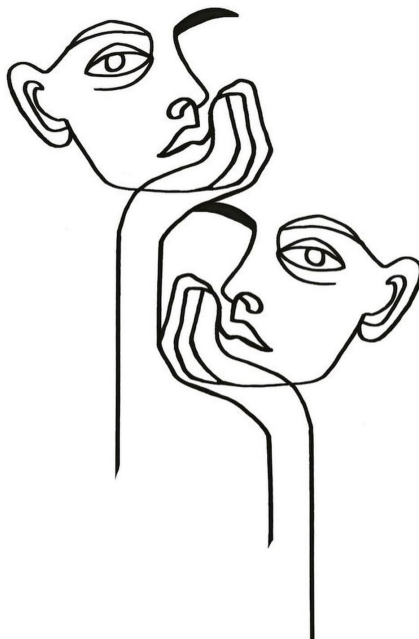
## کدام اکنون؟

چون نمی‌توانیم کل آرمان‌ها و ایده‌هایی را که به دنبال نشریه داریم،  
در چند پاراگراف خلاصه کنیم،  
پس ترجیح می‌دهیم با جملات حماسی و کلیشه‌ای این خیانت را در حق خود و نشریه نکنیم  
و به جای آن، مفاهیمی را که نام  
نشریه برای ما تداعی می‌کند، برشماریم:

- مثلاً چگونه می‌توانیم از اکنون سخن بگوییم؟

- اصلاً اکنون به چه زمانی و چه مکانی اطلاق می‌شود؟

- و آیا برای همه یکسان است؟



## اکنون در کجا ایستاده اید؟

**اکنون** که این به اصطلاح معرفی‌نامه را می‌خوانید، در فشاری غیرقابل‌وصف در یک بی‌آر.تی، در حال دفن شدن در جمعیتی به‌حق عصبانی هستید یا زیر باد کولر خودروی شخصی تک‌سرنشین‌تان، در حال گوش دادن به آلبوم همایون شجریان؟ **اکنون** در فکر صف سلف دانشگاه، با همان افراد به‌حق شاکی هستید یا اندک پولی کف دست هم‌دانشگاهی‌تان گذاشته و منتظر او و غذای‌تان، برای بلعیدنی؟

**اکنون** تمام کانال‌های دائلود pdf و پاساژهای کتاب دسته‌دوم‌فروشی چهره‌ی شما را به یاد می‌آورند یا «بدون داشتن دغدغه‌ی» قیمت کتاب نو و تمیز و سفید خود را در آغوش کشیده و بوی خوش چاپ را استشمام می‌کنید؟ **اکنون** در کدام فضا نفس می‌کشید؟ بوی دود و فاضلاب تهران را می‌دهد یا بوی «آرامش» درخت‌های با طراوت باغ‌های شمال شهری را؟

**اکنون** استرس پیدا کردن «کار دانشجویی» خواب و خوراک را از شما گرفته یا مشغول کار، و در حسرت فرصتِ سرخاراندن هستید یا استرس فارغ‌التحصیلی و بی‌کاری و گاهی افسوس‌های بعد از آن، مانع از یادگیری باکیفیت درس‌های‌تان می‌شود یا شاید هم آن قدر «مستقل» و «خودساخته» هستید که از ابتدا تا انتهای زندگی‌تان بدون مشکل تامین است؟

**اکنون** کدام‌یک شما را از پا درآورده است؟ شلوغی اتوبوس و مترو و... یا صف سلف و قیمت کتاب و آلودگی هوا و کارهایی با دست‌مزد توهین‌کننده، و یا احتمالاً همه با هم؟

اگرچه گفتنش بی‌تاثیر است، اما خسته نباشید؛ و امیدواریم هنوز نفسی داشته باشید؛ زیرا: **اکنون تازه شروع کرده است.** متن را با مثال‌هایی شروع کردیم که اکنون اگر «دانشجو» باشید، احتمالاً بخشی از آن‌ها را حس کرده یا دیده‌اید و یا با قسمت اول همه‌ی مثال‌های بالا غریبه‌اید. با این مثال‌ها می‌خواهیم ثابت کنیم که **اکنون** یک حال واحد نیست و هرگز نبوده است. پس بدین ترتیب گذشته‌ی واحدی هم، از شروع تمدن نمی‌توان در نظر گرفت.

**اکنون** سخن از قرن‌ها می‌گوید؛ سخن از زمان حالی می‌گوید که بازتاب‌دهنده‌ی گذشته و شکل‌دهنده‌ی آینده است، حالی که همواره به دو گونه روایت می‌شود، که خواسته یا ناخواسته یکی از این دو روایت در رسانه‌ها حذف می‌شوند یا برداشتی نادرست از آن‌ها ارائه داده می‌شود. اما شما هم احتمالاً از این اختلاف روایات‌ها آگاه‌اید.

و به‌راستی همین تفاوت در برداشت‌ها و آگاهی به دلیل این تفاوت‌هاست که مهم است. زیرا که واقعیت یکی‌ست. پس اطمینان می‌دهیم که ما همه‌ی تجربیات را روایت، و صدالبته نقد می‌کنیم و همواره به دنبال واقعیت وضع موجود خواهیم بود. پس برای حرف‌زدن از **اکنون** حتماً نباید در روزنامه نوشت، بلکه کافی است آگاه بود و این آگاهی را به همه‌جا و همه‌زمان تعمیم داد. همان‌طور که نظاره می‌کنید، ما مسیرمان هم‌چون تاریخ‌مان طولانی است. **شما در کدام ایستگاه پیاده می‌شوید؟**

## ● فرهنگ کنکور دادن ●

آمارهای اعلام شده از نتایج کنکور کارشناسی ۹۸ ما را واداشت که روی روند کنکور دادن و مناسبات غالب بر آن، کمی دقیق‌تر شویم و به دنبال مقصر نه چندان ناشناس مان بگردیم.



امروزه دیگر نمی‌توان کنکور را فقط به مثابه آزمون جامع، برای ورود به مقطع تحصیلی بالاتر تعریف کرد، بلکه نقش مهمی را در فرهنگ افراد و روابط بین آن‌ها ایفا می‌کند، و علاوه بر عوض کردن مسیر تحصیلی متقاضیان خود، گاهی به آن‌ها اعتبار کاذب می‌بخشد و یا دیواری در راه دسترسی آن‌ها به حق آموزش می‌شود، و در حال حاضر معضلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... زیادی را به بار آورده است، تا جایی که در طی سال‌های اخیر، بحث‌های زیادی پیرامون حذف کنکور و جایگزین کردن آن با روشی دیگر برای بازخواست ۲، ۴ یا ۱۲ سال از زندگی تحصیلی متقاضیان کنکور، در جریان بوده است. اما جایگاه محکمی که کنکور در سیستم آموزشی/اقتصادی پیدا کرده، تاکنون مانع از انجام عملی قاطعانه در جهت حذف آن شده است. کنکور، به مثابه یک فرهنگ، دارای قوانین، اساطیر، نمادها و اصطلاحاتی است که در طول سالیان، به‌شان شکل داده است. در این یادداشت قصد داریم نگاهی به آن‌ها بیندازیم.

## به هر قیمت برنده باش

اولین و مهم‌ترین قانون و به عبارتی موتور کنکور و اصلی‌ترین ریشه‌ی آن رقابت است. کنکور بدون رقابت معنایی ندارد، زیرا در روند کنکور دادن نه تنها هیچ‌گونه کار گروهی به چشم نمی‌خورد، بلکه تنها شعاری که دارد «برتر شدن» است و افراد در آن با صفات تفصیلی و عالی شماره‌گذاری و ارزیابی می‌شوند، که البته نیاز یک جامعه و بازار رقابتی را تامین می‌کند و به آن دامن می‌زند. پس نمی‌توان کنکور را بدون در نظر گرفتن فرهنگ رقابتی که در بستر بازار آزاد شکل می‌گیرد مقصر دانست.

درواقع کنکور و مناسبات فرهنگی جامعه‌ی آن رابطه‌ای دو سویه دارند و تکمیل‌کننده‌ی یکدیگر، در جهت استوارنگه‌داشتن فرهنگ رقابتند. پس اگر قصد بررسی دقیق‌تر و مفصل‌تر داشتیم، باید عنوان این یادداشت را **فرهنگ رقابت** می‌گذاشتیم. اما تصمیم داریم ارزیابی بسط مناسبات و روابط موجود در کنکور (به‌طور ویژه‌تر کنکور کارشناسی) به دیگر مراحل زندگی اجتماعی را که دائماً با آن‌ها سر و کار داریم و خواهیم داشت، به عهده‌ی مخاطب بگذاریم.

اگر یک جلسه در کلاس‌های انگیزشی کنکور شرکت کرده یا در کانال‌ها و سایت‌های مشاوره چرخی زده باشید، کلیدواژه‌های مارا تن، موفقیت، تلاش، هدف، آینده و... بیش از همه به چشم‌تان می‌خورد که همه‌ی آن‌ها با ادبیات مختلف سعی دارند یک چیز را بگویند؛ که «برنده باش!». بیشتر این جملات حول هدفی کلی حرف می‌زنند و دیگر آن را به کنکور محدود نمی‌کنند؛ که البته آن هدف نهایی را هم تعریف نمی‌کنند که به راستی هم اهمیتی ندارد و فقط «برنده شدن» در هر کار و هر مرحله‌ای مهم است و همین بسط

دادن است که باعث می‌شود کنکور دادن به صورت یک فرهنگ رقابت- که احتمالاً از اولین برخورد فرد با دیگران، در همان کودکی، توسط خانواده و مدرسه و سایر نهادهای آموزشی به خورد او داده شده است- در گوشت و استخوان فرد رخنه کند؛ آن هم درست در حین ورود به دانشگاه و احتمالاً بازار کار.

اما این فرهنگ رقابت، برنده شدن و یا به بیان ما، کنکور دادن، مگر مبتنی بر بازنده شدن دیگران نیست؟ مگر نه اینکه اگر شما جایگاهی را بخواهید، باید در ابتدا دیگر متقاضیان آن را به روشی ساقط کنید؟

این همان حقیقتی است که جملات انگیزشی کنکور- که از زبان نلسون ماندلا، نیوتون، نیچه و... فریاد می‌زنند «برنده باش!»- از خوانندگان و مصرف‌کنندگان خود- که شما هستید- مخفی می‌کنند تا هیچ‌گاه در زندگی آینده‌ی کاری یا تحصیلی تان، به موقعیت و موفقیتی که به دست آورده‌اید بدبین نشوید. زیرا خواهند گفت که «تلاش» کرده و «پاداش» آن را گرفته‌اید.

پس با این منطق، در کنکور سراسری ۹۸، دانش‌آموزان مدارس دولتی، به خصوص دولتی‌عادی، احتمالاً هیچ تلاشی نکرده و بنابراین حق حضور در بین ۴۰ نفر برتر را نداشته‌اند. و با همین منطق کنکوری، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی هیچ دخالتی در جایگاه تحصیلی، کاری و در کل زیست افراد ندارند و فقط فرد است که در تعیین آینده‌ی خود مقصر است و به قول خودشان «تویی که رویاهات را می‌سازی»- و چه کسی است که رویایی نداشته باشد؟- و «همه چیز به خودت بستگی دارد»- در واقع اگر ببازی خودت مقصر هستی.

## بازار گرم اسطوره‌ها

شاید تصور شود اسطوره‌های کنکور فقط رتبه‌های برتر آن باشند، اما در واقع «رتبه‌ها» و متقاضی فقط اهمیت تبلیغاتی پیدا کرده‌اند و مرکز توجه، معلم‌های تست و مهم‌تر از آن‌ها مشاورهای تحصیلی، و باز هم صد مرتبه مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، موسسات و مراکز آموزشی هستند.

در رابطه با موسسات و انتشارات آموزشی کنکور و گردش مالی آن‌ها از طریق کنکور، بعید می‌دانیم حرف ناگفته‌ای باقی مانده باشد، و در مورد تکنیک زده‌گی و سطحی و غیرمفهومی بودن روش‌های تدریس معلم‌های تست که امروزه در مدارس آن‌ها را «اساتید تست» می‌نامند هم، سخن تازه‌ای نیست و قصد نقد ماهیت آزمون‌های تستی را هم نداریم. اما از آن جایی که تبلیغاتی که روی اسم این «اساتید» می‌شود است که آن‌ها را به اسطوره و منجی کنکوری‌ها تبدیل کرده، اکنون بخشی از این روند اسطوره‌سازی و حواشی آن، و نیز کارایی این اساطیر را بررسی می‌کنیم.

معلم‌های تست از استرس و اعتماد دانش‌آموزها در سال کنکور برای فروش جزوات و کلاس‌های اضافی خود، با نام «جمع‌بندی»، سواستفاده می‌کنند؛ که البته کاربرد اسطوره‌شدن نیز همین فروش بیشتر محصولات است؛ و این قضیه فقط برای مدرس‌ها یا مشاورهای کنکور صدق نمی‌کند، بلکه تمام کمپانی‌های بزرگ از نمادهای خود برای کسب اعتماد و افزایش فروش استفاده می‌کنند. البته لازم به ذکر است که خود مدرس‌ها در ایجاد این استرس مضاعف و یا اعتماد مطلق، نقش به‌سزایی دارند. برای ایجاد استرس معمولاً جو کلاس را پر تنش می‌کنند و رفتارهای عصبی از خود نشان می‌دهند که حتی گاهی این رفتارها خشونت‌آمیز می‌شوند. اما دلیل اینکه دانش‌آموزان به این رفتارها اعتراض نمی‌کنند هم، اعتماد مطلق است که از طریق تبلیغات به آن مدرس پیدا کرده‌اند، و نیز عدم شک به اسطوره‌ای است که آموزشگاه در ذهن دانش‌آموزانش ایجاد کرده است. و از طرفی همین استرسی که فرد در زمان

کنکور دارد باعث می‌شود به مدرس تست اطمینان و تکیه کند.

مشاورهای کنکور در دهه یا دهه‌های گذشته بیش‌تر تمرکزشان روی موفقیت در کنکور و به عبارتی «رتبه شدن» بود و روایاتی را هم که برای ایجاد انگیزه‌ی رقابت در متقاضیان، تعریف می‌کردند، درباره‌ی دانش‌آموزان درس‌خوان و سخت‌کوشی بود که توانسته بودند درصدهای بالایی را در درس‌ها داشته باشند. اما اگر اکنون در کلاس‌های مشاوره و یا انگیزشی کنکور شرکت کنید بیش‌تر، روایات و مثال‌های افرادی را می‌شنوید که موفقیت آن‌ها در تجمل و تجمع ثروت‌شان خلاصه شده است، و از آن جایی که مشاورهای معروف از طریق کنکور پولی به جیب زده و مرفه شده‌اند، در بسیاری از موارد، خود را الگو قرار داده و حتی به مراجعه‌کنندگان خود، به شرط رتبه‌آوردن، قول استخدام در مرکز مشاوره‌شان را می‌دهند. در واقع این کلاس‌های انگیزشی، دانشگاه را در حد وسیله‌ای برای گرفتن مدرک، و مدرک را به یکی از ابزارهای کوچک برای موفقیت، در کنار «زرنگ بودن»، رقابت کردن و... تنزل می‌دهند؛ که البته باز هم نمی‌توانیم بگوییم که تنها مشاورها هستند که در متقاضی‌های کنکور، چنین انتظاری را از دانشگاه ایجاد می‌کنند، بلکه تنزل واقعی در خود نهاد دانشگاه، قبلاً اتفاق افتاده است.

اما در مورد رتبه‌های برتر، با توجه به اینکه نهایت کمال و غایت نهایی در روند کنکور دادن رتبه‌آوردن است، پس اسطوره‌شدن «رتبه‌ها» نیز خیلی دور از انتظار نیست. اما تفاوتی بین این اسطوره‌ها که ساخته و پرداخته‌ی رسانه‌ها و آموزشگاه‌ها و انتشارات کنکوری هستند، با دیگر اسطوره‌های «موفقیت» وجود دارد و آن هم تاکید بیشتر بر قابل دسترس بودن «موفقیت» این رتبه‌هاست، در حالی که واقعا و دقیقا به غیرممکن‌ترین جایگاه دست پیدا کرده‌اند؛ ۱۰۰ رتبه‌ی برتر در ۴ رشته‌ی اصلی (مجموعاً ۴۰۰ نفر)، از میان ۱،۲۰۰،۰۰۰ شرکت‌کننده؛ یعنی امکانی کمتر از ۰،۰۳ درصد برای هر کس!

نکته اینجاست که معمولاً رتبه‌ها را افرادی عادی نشان می‌دهند که تنها تفاوت‌شان «همت» خودشان در درس خواندن بوده است و در مصاحبه‌ها هرگز ازشان نمی‌پرسند که در یک سال، چه قدر برای تحصیل‌شان هزینه کرده‌اند؟ و یا مدرسه‌ی تیزهوشان، نمونه‌دولتی و... که در آن درس خوانده‌اند، از چه سالی آن‌ها را برای کنکور آماده کرده است و با چه شهریه‌ای؟ طبیعی‌ست؛ نمی‌پرسند تا مبدا مشتری‌های دیگر مراکز آموزشی ناامید شوند. زیرا آن‌ها گرچه چنین پول‌هایی برای خرج کردن ندارند، اما به هر حال مشتریانی هرچند کوچک‌اند که تعداد زیادشان (در واقع اکثریت بسیار زیاد) سالانه، پول کلانی را به سمت صنعت کنکور روانه می‌کنند.

اما شما که مخاطب این متن هستید، اگر بدون برخورداری از هیچ امتیاز ویژه‌ای کنکور داده‌اید، احتمالاً اکنون و پس از تمام‌شدن ماجرا، تایید می‌کنید که تلاش، شجاعت و دیگر مفاهیمی که در سال کنکور از درودیوار شنیده‌اید، تمام ماجرا نبوده‌اند.

## کنکوری‌ها ۱۱۱

امروزه کنکور دادن تبدیل به یک سرمایه‌گذاری با سود بالا برای خانواده‌ها شده است. خانواده‌ها از ابتدای دوره متوسطه (دوره‌ی اول یا دوم) فرزندان‌شان را برای کنکور آماده کرده و مخارج زیادی را برای «پیروزی» آن‌ها در این «رقابت»، به امید بازگشت هزینه‌های‌شان در بلندمدت و پس از پایان تحصیل آن‌ها و ورودشان به بازار کار، خرج می‌کنند (و چه امید باطلی!). پس به عبارتی هدف با پول برنده‌شدن برای پول‌درآوردن بیش‌تر است. اما لازم به توضیح نیست که با این هدف وارد دانشگاه شدن، چه تبعاتی برای دانشگاه و در آینده برای اجتماع خواهد داشت. اما از طرفی، مگر در حال حاضر افرادی با چنین روحیه‌ای، نیاز دانشگاه‌ها و بازار کار نیستند؟ پس بیایید با توجه به مسایل گفته شده از داوطلبان بپرسیم: رتبه‌شدن در کنکور برای چه؟ و چگونه؟

در مورد چگونگی و شرایط رتبه‌شدن، پیش‌تر کمی توضیح دادیم اما باز هم تاکید می‌کنیم که اگر در یک مدرسه دولتی عادی، با منابع عادی کنکور، یعنی کتاب‌های درسی و معلم‌های آموزش و پرورش می‌خواهید کنکور دهید، همان‌طور که آمار رتبه‌های برتر

کنکور ۹۸ نشان می‌دهد، شما شرایط رتبه‌شدن را ندارید و شانس شما مطلقاً صفر است. زیرا سوالات کنکور به گونه‌ای طراحی شده است که شما قادر به پاسخگویی نباشید.

پس اگر توانستیم با رتبه‌های نسبتاً خوب یا عالی به دانشگاه‌های دولتی دست پیدا کنیم، بدانیم با تن دادن و دامن زدن به سیستم کنکور دادن است که «موفق» شده‌ایم. اما با توجه به مناسبات جهان امروز، موفقیت مگر جز با حذف دیگران حاصل می‌شود؟ و کنکور دادن و به‌طور کلی تحصیل کردن مگر جز با تایید مناسبات آموزشی که در آن قرار گرفته‌ایم امکان‌پذیر است؟ این سوالها را بی‌پاسخ می‌گذاریم و تشریح بیشتر مفهوم موفقیت را در شماره‌ی بعدی، با مثال‌های بیش‌تری ارائه خواهیم کرد.

دلارام فتاحی

## ● شورای صنفی ●

برخلاف فعالیت سیاسی دانشجویی در ایران، تاریخچه‌ی دقیقی از شکل‌گیری نهاد مستقل صنفی در دانشگاه‌ها در دسترس نیست اما به گفته‌ی دانشجویان در دهه‌ی پنجاه و شصت، فعالیت و پیگیری مطالبات صنفی از بدو تأسیس دانشگاه‌ها جریان داشته است. می‌توان تأسیس سازمان دانشجویان دانشگاه تهران در دهه‌ی بیست را نمونه‌ای از اولین تلاش‌ها برای سازماندهی فعالیت صنفی دانشجویی برشمرد. این سازمان هدف اصلی خود را در اساسنامه، رسیدگی به امور صنفی دانشجویان و ایجاد حس همکاری بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف اعلام کرده بود. تعریف اعضای این سازمان از مسائل صنفی را می‌توان در دو دسته‌ی اصلی «بهبود امکانات رفاهی دانشجویان» و مسئله‌ی «استقلال دانشگاه» قرار داد. استقلال دانشگاه به این معنی بود که ریاست دانشگاه از طریق شورای دانشگاه و خود دانشگاهیان انتخاب شود، حکومت در امور دانشگاه دخالت نکند و پلیس حق ورود به دانشگاه را نداشته باشد. در گذر زمان، شورای صنفی دانشجویان نیز با اهدافی مشابه با این سازمان در دانشگاه‌های کشور



شکل گرفت. طبق آیین‌نامه‌ی شورای صنفی دانشجویان دانشگاه‌های کشور، این شورا باید با حمایت دانشگاه‌ها به‌منظور پیگیری حقوق و حریم دانشجویی تشکیل گردد. حقوق صنفی دانشجویان در این آیین‌نامه به امور مربوط به دانشجو در فضای دانشگاهی اطلاق می‌شود که شامل امور رفاهی، تربیت بدنی و نحوه‌ی ارائه‌ی خدمات آموزشی است. امور رفاهی مواردی مانند امور مربوط به تغذیه، خوابگاه و امور خدماتی مانند خدمات رایانه، کتاب‌خانه و بهداشت عمومی را شامل می‌شود. به‌منظور ایجاد بستر مناسب برای همکاری و مشارکت دانشجویان در امور صنفی که از اهداف اصلی تشکیل شورای صنفی است، معمولاً شورا در سطح واحد آموزشی کوچک‌تر یعنی دانشکده، تشکیل شده و نمایندگان هر شورا که دبیر شورای صنفی واحد مسئولیت آن را به عهده دارد، شورای صنفی دانشگاه را تشکیل می‌دهند. برای آشنایی بیش‌تر، در این جا به برخی بندهای آیین‌نامه اشاره می‌کنیم.



## محدوده‌ی فعالیت صنفی

یکی از معضلاتی که به انفعال نسبی دانشجویان و از بین رفتن فضای فعالیت و عدم دسترسی به برخی امکانات رفاهی منجر شده، عدم آگاهی برخی از دانشجویان از حقوقشان است. این مسئله در کنار دیگر عوامل، منجر به شرایطی شده که برخی از دانشجویان کاملاً از پیگیری حقوق اولیه‌ی خود دست بکشند. ترس ناشی از تصور برخورد شدید انضباطی از سمت دانشگاه و یا برخورد امنیتی با تمامی فعالین صنفی، معلول چنین شرایطی است. فارغ از اغراق آمیز بودن این تصور، نادیده گرفتن نارسایی‌ها و گریز از تلاش برای درک و حل مسئله، به بدتر شدن شرایط دامن خواهد زد. بنابراین شفاف بودن مرز فعالیت صنفی در راستای ارتقاء شرایط آموزشی و رفاهی دانشگاه، کمک می‌کند تا ما دانشجویان از محدودیت‌های فلج‌کننده‌ی نانوخته‌ای که متصور هستیم کمی فاصله بگیریم.

## شورای صنفی در دانشگاه الزهرا

در دانشگاه الزهرا پس از یک وقفه، در آذرماه سال ۱۳۹۶ انتخابات شورای صنفی برگزار شده و بالاخره این نهاد دانشجویی مستقل تشکیل شد. با وجود برخی موانع بوروکراتیک (یا در واقع محدودیت‌های نانوخته) که احتمالاً شما نیز به واسطه‌ی فرآیند ثبت‌نام یا پیگیری درخواست‌های اداری با آن غریبه نیستید، شورای صنفی با کمک گروهی از دانشجویان، موفق شد بخش قابل توجهی از مطالبات را در قالب نام‌های که به امضای حدود ۵۰۰ نفر از دانشجویان رسید، با ریاست دانشگاه مطرح و تعداد محدودی از آن‌ها را پیگیری کند.

انتخابات شورای صنفی در سال ۹۷ بار دیگر نیز به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه گلستان برگزار شد. میزان مشارکت دانشجویان به دلایلی از جمله عدم دسترسی راحت به سامانه، به حد نصاب ۲۵٪ واجدین نرسیده و شورای دور دوم منحل شد. لازم به ذکر است برخلاف برخی ادعاها، در شیوه‌نامه‌ی اجرایی شوراهای صنفی هیچ‌گونه الزامی در برگزاری الکترونیکی انتخابات دیده نشده است!

اکنون مرجعی رسمی به عنوان نهاد مستقل دانشجویی برای انعکاس مشکلات و پیگیری مطالبات دانشجویان در دانشگاه الزهرا فعالیت ندارد و دانشجویان منتظر برگزاری مجدد انتخابات در آبان ماه هستند. مشکلات آموزشی، تجهیز نبودن برخی آزمایشگاه‌ها، مشکلات شدید رفاهی در خوابگاه و... بخشی از مواردی است که جز با پیگیری مداوم مرجعی قانونی مثل شورای صنفی، جایگزین مناسب‌تری برای رسیدگی به آن وجود ندارد.

در اینجا برخی بندهای نامه‌ی درخواستی که سال گذشته توسط شورای صنفی پیگیری شد، آورده شده است. برخی از این موارد هم‌چنان از مطالبات دانشجویان است که محقق نشده.

- دسترسی به مکان‌های عمومی دانشگاه بعد از ساعت اداری
- باز بودن مکان‌های عمومی دانشگاه مانند مسجد، کتابخانه، سایت‌ها و سرویس‌های بهداشتی پس از ساعت اداری و در روز پنجشنبه
- تدوین و پیاده‌سازی سیستم ارزشیابی برای تمام کارمندانی که در ارتباط مستقیم با دانشجو هستند
- توقف تغییر کاربری مکان‌های عمومی دانشگاه به مکان‌های خصوصی. نمونه‌ی بارز آن تغییر کاربری تعاونی دانشگاه به کافی‌شاپ

- بود. این درحالیست که ما با کمبود دفاتر تکثیری و نبود بوفه (با وجود غذای محدود سلف آزاد) و تعاونی در دانشگاه مواجهیم.
- توقف پرداخت هزینه‌ی ۳,۵ میلیونی سنوات در دانشگاه الزهرا مصوب هیئت امنای
- اصلاح مصوبه‌ی پرداخت اجاره بهای بیش از تعرفه‌ی صندوق رفاه، برای دانشجویان ترم ۵ ارشد خوابگاهی
- اصلاح ساعت ورود و خروج دانشجویان خوابگاهی (در دیگر دانشگاه‌های تهران محدودیت ورود ساعت ۱۰ تا ۱۰:۳۰ می‌باشد که در دانشگاه الزهرا به ساعت ۹ تا ۹:۳۰ شب تقلیل یافته است.)
- رسیدگی به وضعیت نامناسب برگزاری کنفرانس‌های علمی
- رسیدگی به وضعیت اعضای هیئت علمی. کمبود تعداد اعضا (زیر ۵ نفر) در بسیاری از رشته‌ها منجر به محدودیت در انتخاب موضوع پژوهش و متأسفانه در مواردی، سبب افزایش تنش رفتاری میان اساتید و دانشجویان شده است.

## انتخابات شورای صنفی

در شیوه‌نامه‌ی برگزاری انتخابات و تشکیل شوراهای صنفی، رسیدن تعداد آرای مأخوذه به حد نصاب ۲۵٪ کل واجدین شرایط در دانشگاه از شرایط اصلی رسمیت یافتن نتیجه‌ی انتخابات و تشکیل شورا است. این یکی از بندهای بحث برانگیز و دردسرافرین در برگزاری انتخابات است، چراکه با توجه به شرایط فعلی دانشگاه‌ها و عدم حضور حداقل نیمی از دانشجویان در یک روز و فشردگی زمان کلاسها و... رسیدن به حد نصاب رأی دشوار می‌شود. هم‌چنین به دلیل نبودن برخی زیرساخت‌ها، برگزاری انتخابات الکترونیکی نیز مشکلات دیگری پدید آورده و تغییری در نتیجه مشارکت ایجاد نمی‌کند. چنان‌که در شرایط فعلی پایین بودن مشارکت در دیگر رأی‌گیری‌ها، حتی انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نیز در رسمی بودن نتایج تأثیری ندارد، انتظار می‌رود به دلیل اهمیت شکل‌گیری و فعالیت شورای صنفی در دانشگاه‌ها، این ماده در شیوه‌نامه، مورد بازبینی و اصلاح قرار بگیرد.

در نتیجه‌ی موارد ذکر شده، می‌توان گفت اصلاح بندهای محدودیت‌زای موجود در شیوه‌نامه و آیین‌نامه‌ی شورای صنفی دانشجویان از جمله در نحوه‌ی برگزاری انتخابات، حدنصاب آرا و محدودیت فعالیت صنفی، در تسهیل تشکیل شوراها و ادامه فعالیت آن‌ها بی‌تأثیر نخواهد بود. گرچه، نمی‌توان کتمان کرد یکی از بزرگ‌ترین عواملی که به رخوت در فضای فعالیت دانشجویی دامن زده، ناامیدی از بروز تغییرات جدی و اثربخش است که از فضای حاکم بر جامعه نیز مستثنا نیست. با این حال از نتایج مثبت فعالیت شوراهای صنفی که در برخی دانشگاه‌ها پدید آمده، نباید غافل بود. در دانشگاه الزهرا نیز اصلاح قانون سنوات برای دانشجویان ترم ۵ کارشناسی ارشد و ترم ۹ کارشناسی، کاهش هزینه خوابگاه برای این دانشجویان و افزایش دوره‌ای ساعت کار کتابخانه مرکزی و... از همین دست تغییرات است که می‌بایست با ادامه‌ی فعالیت شورای صنفی، از نظر کمی و کیفی ارتقا پیدا کند.

اکنون، ادامه‌ی فعالیت شورای صنفی به مشارکت ما وابسته است.

تینا آزموده

## به آیندگان

راستی که در دوره‌ی تیره و تاری زندگی می‌کنم؛  
 امروزه فقط حرف‌های احمقانه بی‌خطرند  
 گره بر ابرو نداشتن، از بی‌احساسی خبر می‌دهد،  
 و آن که می‌خندد، هنوز خبر هول‌ناک را نشنیده است.  
 این چه زمانه ایست که حرف زدن از درختان عین جنایت است  
 وقتی از این همه تباهی چیزی نگفته باشیم!  
 کسی که آرام به راه خود می‌رود گناهکار است  
 زیرا دوستانی که در تنگنا هستند دیگر به او دسترسی ندارند.  
 این درست است: من هنوز رزق و روزی دارم  
 اما باور کنید: این تنها از روی تصادف است  
 هیچ قرار نیست از کاری که می‌کنم نان و آبی برسد  
 اگر بخت و اقبال پشت کند، کارم ساخته است.  
 به من می‌گویند: بخور، بنوش و از آنچه داری شاد باش  
 اما چه طور می‌توان خورد و نوشید  
 وقتی خوراکم را از چنگ گرسنه‌ای بیرون کشیده‌ام  
 و به جام آبم تشنه‌ای مستحق‌تر است. اما باز هم می‌خورم و می‌نوشم  
 من هم دلم می‌خواهد که خردمند باشم  
 در کتاب‌های قدیمی آدم خردمند را چنین تعریف کرده‌اند:  
 از آشوب زمانه دوری گرفتن و این عمر

کوتاه را بی‌وحشت سپری کردن  
 بدی را با نیکی پاسخ دادن  
 آرزوها را یکایک به نسیان سپردن  
 این است خردمندی.  
 اما این کارها بر نمی‌آید از من.  
 راستی که در دوره‌ی تیره و تاری زندگی می‌کنم.  
 در دوران آشوب به شهرها آمدم  
 زمانی که گرسنگی بیداد می‌کرد.  
 در زمان شورش به میان مردم آمدم  
 و به همراه‌اشان فریاد زدم.  
 عمری که مرا داده شده بود بر زمین چنین گذشت.  
 خوراکم را میان معرکه‌ها خوردم  
 خوابم را کنار قاتل‌ها خفتم  
 عشق را جدی نگرفتم  
 و به طبیعت دل ندادم  
 عمری که مرا داده شده بود بر زمین چنین گذشت.  
 در روزگار من همه راه‌ها به مرداب ختم می‌شدند  
 زبانم مرا به جلادان لو می‌داد  
 زورم زیاد نبود، اما امید داشتم  
 که برای زمام‌داران دردسر فراهم کنم!  
 عمری که مرا داده شده بود بر زمین چنین گذشت.  
 توش و توان ما زیاد نبود  
 مقصد در دوردست بود  
 از دور دیده می‌شد اما  
 من آن را در دسترس نمی‌دیدم.  
 عمری که مرا داده شده بود بر زمین چنین گذشت.

آهای آیندگان، شما که از دل توفانی بیرون می‌جهید  
 که ما را بلعیده است.  
 وقتی از ضعف‌های ما حرف می‌زنید یادتان باشد  
 از زمانه‌ی سخت ما هم چیزی بگویید.  
 به یاد آورید که ما بیش از کفش‌هایمان کشور عوض کردیم.  
 و نومیدانه میدان‌های جنگ را پشت سر گذاشتیم  
 آن‌جا که ستم بود و اعتراضی نبود.  
 این را خوب می‌دانیم:  
 حتی نفرت از حقارت نیز آدم را سنگدل می‌کند.  
 حتی خشم بر نابرابری هم صدا را خشن می‌کند.  
 آخ، ما که خواستیم زمین را برای مهربانی مهیا کنیم  
 خود نتوانستیم مهربان باشیم.  
 اما شما وقتی به روزی رسیدید  
 که انسان یاور انسان بود  
 درباره‌ی ما  
 با رأفت داوری کنید!

برتولت برشت | ۱۹۳۹ | در تبعید  
 ترجمه: علی امینی نجفی





Footbridge (1953), L. S. Lowry

نقاشی روی جلد اثر لورنس استفان لوری (Laurence Stephen Lowry) است؛ نقاش انگلیسی قرن بیستم (۱۸۸۷ - ۱۹۷۶) که اغلب آثارش مناظری شهریست از لانکشر، با خیابان‌هایی شلوغ و آسمانی دودگرفته از دود کارخانه‌ها، همراه با توده‌ی کارگران در حال رفت‌وآمد (هم‌چون اثر رفتن به سر کار)؛ فیگورهای چوب کبریتی، با بدنی خم‌شده و قوز کرده. و یا بورژواهایی بی‌چهره با بدنی دفرمه. او به ندرت آثاری خلق کرد که رنگ غالبشان جز خاکستری، مشکی و قهوه‌ای تیره باشد.

هم‌چنین کم‌تر نقاشی تک‌فیگور و پرتره کشید، که آن‌ها نیز معمولاً بدون جزئیات دقیق در طراحی چهره بودند؛ دو نقطه و چند خط برای تصویر چهره‌هایشان کافی بود. این مسئله و نیز آسمان‌های خالی از جزئیات رئالیستی در مناظرش، سبب شد تا برخی او را هنرمندی غیرحرفه‌ای و یا به اصطلاح «نقاش روزهای تعطیل» (Sunday Painter) بنامند. در حالی که او به «رئالیستی»ترین شکل ممکن، آنچه را که به واقع در برابرش می‌دید، نقاشی می‌کرد: حقیقت جهان صنعتی را، در اوج رستگاری‌اش.

می‌توانید در کانال تلگرامی نشریه، چند اثر دیگر از ال‌اس لوری را تماشا کنید.



Going to Work (1943), L. S. Lowry